

دکتر رضا نوری



کیفر سقط جنین در قانون مجازات اسلامی

و

تعارض آن با ماده ۹۱ قانون تعزیرات

قانون مجازات اسلامی که در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب ماده ۵ آن، بدانگونه که قبلا در مجلس شورای اسلامی تصویب شده بود به تصویب نهائی رسید نیز به پیروی از احکام فقه اسلامی سقط جنین را تعریف نکرده است بلکه در کتاب چهارم در باب دیات مواد ۴۸۷ الی ۴۹۳ را اختصاص به دیه مقرر برای سقط جنین داده است و این همان موادی است که قبلا قانونگذار در قانون دیات مصوب بیست و چهارم آذرماه ۱۳۶۱ در مواد ۱۹۴ الی ۲۰۰ بعنوان دیه سقط جنین آنها تصویب و دادگاهها آنها اجرا و اعمال مینمودند که لازم است قبل از ورود به بحث این مقاله ابتدا با توجه به حقوق اسلامی و نیز حقوق تطبیقی تعریف این جرم و ارکان تشکیل دهنده آن مورد بررسی قرار گیرد تا با شناخت کامل از جرم بودن عمل بتوان اعمال مجازات مقرر قانونی در آنها مورد توجه قرار داد.

از نظر تعریف اصطلاحی سقط جنین عبارت است از اقدام به خروج غیرطبیعی حمل قبل از موعد طبیعی وضع حمل، بوسیله مادر یا غیر او بنحویکه حمل خارج شده از بطن مادر زنده نبوده یا فاقد قابلیت زیست باشد بنابراین برای تحقق سقط جنین بعنوان یک عمل مجرمانه باید ارکان زیر موجود باشد.

۱- زن حامله باشد: یعنی نطفه کودک در بدن او منعقد شده باشد چه بنظر بیشتر فقها و حقوق دانان از زمان استقرار نطفه در رحم زن و رشد و نمو آن و پس

از تبدیل به علقه، مضغه و تا زمان تبدیل به حمل بصورت انسانی و تشخیص پسر یا دختر بودن و بالاخره پس از حلول روح تا قبل از زمان وضع حمل طبیعی هرگونه اقدام به اخراج مصنوعی حمل در تمام مراحل مذکور را سقطجنین تلقی نموده‌اند.

۲- اخراج جنین از بطن مادر بنحو غیرطبیعی باشد: عبارت دیگر وضع حمل یا زایمان که خروج طبیعی حمل از بطن مادر است واقع نشود بلکه اقدام مصنوعی به خروج از بطن مادر ملحوظ نظر فقها و حقوق‌دانان بوده است بقول حقوق‌دان فرانسوی گارسون «سقط حمل عبارت است از منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری» که ادامه طبیعی این دوران منجر به وضع حمل طبیعی خواهد شد.

۳- وجود عنصر معنوی سوءنیت در اقدام به سقط حمل که از عمومات شرعی و قانونی استنباط می‌گردد چه اگر هدف از سقطجنین وسیله پزشک نجات جان مادر بیمار بوده و یا در مواردی که وضع حمل مصنوعی قبل از موعد برای مادر و کودک ضروری باشد و در مواردی که طفل قبل از موعد زنده از بطن مادر اخراج و پس از چندی بدلائل دیگری فوت میکند عمل، مصداق سقطجنین نداشته و بلحاظ فقدان سوءنیت ارتکاب عمل مجرمانه تلقی نمی‌گردد تا شامل مجازات باشد.

پس از این مقدمه باید بگوییم اولاً طبق ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی‌علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می‌شود و علاوه بر جنایات غیرعمدی و خطئی در مواردی از جنایات عمدی که قصاص در آنها جایز نیست نیز اعمال می‌گردد یعنی حقیقتاً دیه مجازات ارتکاب جرم از نظر مقررات فقه و موازین کیفر اسلامی میباشد و در مواد ۴۸۷ الی ۴۹۳ دیه موارد مختلف سقطجنین از سقط نطفه‌ای که در رحم صادر مستقر شده است تا جنین کامل که در آن روح دمیده شده است مشخص گردیده است بدیهی است در مواد فوق‌الذکر مشخص نگردیده است که این سقط بوسیله چه کسی باید بعمل آید و با توجه به اصول کلی باید گفت عامل سقط چه مادر باشد یا غیر او مجازات یکسان دارند (از نظر پرداخت دیه) توضیحاً با صراحت صدر ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی که معاونت و مشارکت را از لحاظ تفاوت نوع مجازات فقط در جرائم قابل مجازات تعزیری یا مجازاتهای بازدارنده بر شمرده است باید بگوییم در دیات که در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی در فصل تعیین

انواع مجازاتها و تقسیم آنها به پنج دسته مشخص و مجزا گردیده است و باصراحت مواد ۸۷، ۹۳، ۹۴ اصولاً بحث معاونت و یا تفاوت مجازات بین فاعل مستقل و شریک یا معاون مورد بحث واقع نمیگردد بدیهی است از باب تسبیب ممکن است نسبت دیه مقرر تفاوت پیدا نماید ولی نوع مجازات اسلامی یکسان است لیکن مواد ۹۰ و ۹۱، قانون تعزیرات مصوب ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی حالات دیگری را نیز به این شرح پیش بینی نموده است:

«ماده ۹۰ - هرکس زن حامله را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری که موجب سقط حمل میگردد بنماید به سه الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد.» که مقصود از هرکس اعم است از پزشک و غیرپزشک و «ماده ۹۱ - اگر زن حامله برای سقطجنین به طبیب یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً، عامداً مباشرت به اسقاط جنین بنماید دیه جنین بعهد اوست و اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او را به وسایل اسقاطجنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

با مطالعه ماده ۹۱ قانون تعزیرات مشخص میشود که مقنن موارد خاصی را در این ماده پیش بینی نموده است که حد زیادی معارض با قانون مجازات اسلامی در باب دیه سقط جنین است که عبارتند از:

- ۱- مجازات مادری که سقطجنین مینماید با توجه به سکوت این ماده و با توجه به ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی پرداخت دیه است.
- ۲- مجازات سقطجنین وسیله طبیب یا قابله (کسی که تخصص در این اسر دارد):

الف - اگر روح در جنین دمیده نشده باشد مجازات طبیب یا قابله دیه است.
ب- اگر روح در جنین دمیده شده باشد و پزشک یا قابله اقدام به سقطجنین نماید مجازات او قصاص است.

ج- و اگر طبیب یا قابله مادر را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند اعم از اینکه روح در جنین دمیده شده باشد یا خیر مجازات طبیب یا قابله شش ماه تا سه سال حبس است و با توجه به ماده ۹۰ قانون تعزیرات اگر غیر طبیب یا قابله همین راهنمایی را به زن حامله بنماید مجازات او سه الی شش ماه حبس تعزیری خواهد بود. (بدیهی است همانطور که فوقاً گفته شد کلمه هرکس میتواند اعم از پزشک